

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله خانواده مسلمان



برگداشت مقام زن در اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،
ولاعداوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و
على آله و صحبه اجمعين.

بررسی جایگاه زن قبل و بعد از اسلام:

منظور از قبل از اسلام دوره جاهلیت است، عصری که در آن عرب به شکل خاصی زندگی می کرد و دیگر مردمان به صورت عمومی می زیستند. مردم در عصری بودند که از وجود پیامبران خالی بود و نشانی از راه های درست نبود، در آن هنگام خداوند متعال به آنها توجه نمود - چنانچه در حدیث آمده است - پس عرب و عجمشان مورد بغض و نفرت خدا بودند جز اندکی از اهل کتاب.

در این عصر در بیشتر جوامع انسانی، زن در یک دوره تعصب نژادی بسر می برد - مخصوصاً در جامعه عربی - تا جایی که آنان تولد وی را ناپسند می دانستند؛ تعدادی آنها را زنده به گور می کردند تا در زیر خاک بمیرد ، و تعدادی هم آنها را با خفت و خواری نگه می داشتند. چنانچه خداوند متعال فرموده است:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ (النحل: ۵۸-۵۹).

«در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فراب ناراحتی) سیاه می شود؛ و به شدت خشمگین می گردد ... بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد ؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند!».

همچنین خداوند متعال فرموده است: ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿۱﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿۲﴾﴾ (التکویر: ۸-۹).
«و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود. به کدامین گناه کشته شدند؟».

کلمه (الْمَوْءُودَةُ) یعنی دختری که زنده به گور شده است تا در زیر خاک جان دهد؛ هرگاه دختری از زنده بگور شدن در امان می ماند و به زندگی ادامه می داد ، او زندگی و حیاتی با خفت و خواری می داشت. هیچ سهم و نصیبی از ارثیه نزدیکان در گذشته اش را ندا شت، هر چند که شخص متوفی دارای مال و ثروت می بود، و یا این که زن بیچاره در نهایت فقر و فاقه بسر می برد. زیرا آنان ارثیه را حق مسلم مردان می دانستند و زنان از آن کاملاً محروم بودند. بلکه حتی زنان همانند سایر اموال ارثیه از دیگران به اثر برده می شدند. زنان زیادی زیر سرپرستی و تحت فرمان یک مرد زندگی می کردند، زیرا آنان معتقد به حدی معین برای داشتن همسر نبودند. و هیچگاه توجهی به فشارها، سختی ها و ستم هایی که در این رابطه به زنان وارد می آمد، نداشتند.

جایگاه زن در اسلام چیست؟

وقتی که اسلام آمد، همه ستم‌ها را از زن برداشت و در میان انسانیت ارزش و اعتبار وی را به او بازگرداند. و او را در مبدأ انسانیت شریک مرد قرار داد؛ و چنین فرمود: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾ (الحجرات: ۱۳). «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم».

همچنین زن و مرد در پاداش و عذاب عمل مشترک هستند. چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (النحل: ۹۷).

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

و باز خداوند متعال فرموده است: ﴿لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ﴾ (الأحزاب: ۷۳). «هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند».

همچنین خداوند پاک قرار دادن زن را به عنوان مال ارث شوهر مرده حرام گردانید و چنین فرمود: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا سَحْلٌ لَّكُمْ أَن تَرثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا﴾ (النساء: ۱۹). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید!».

اسلام متضمن استقلال شخصیت زن گشت و او را نه به عنوان ارثیه، بلکه به عنوان وارث اصلی قرارداد، و در ارثیه نزدیکانش برای وی حقی مقرر ساخت.

خداوند می‌فرماید: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ (النساء: ۷).

«برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی».

همچنین خداوند فرموده است: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِيٓ أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ۚ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ ائْتْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۚ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۚ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ

وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ۚ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ الشُّدُسُ ۚ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۚ لِأَبَاؤُكُمْ وَلِأُمَّتِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (النساء: ۱۱).

«خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدامیک برای شما سودمندترند! - این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است». و همینگونه تا آخر آیات که در مورد ارثیه زن آمده است؛ چه مادر و یا دختر و خواهر و یا زوجه باشد.

خداوند متعال در عرصه مزاجت و ازدواج، همسراری را در حداکثر تا چهار زن محدود و محصور نموده است، البته به شرط برقراری عدالت میان آنان. همچنین خداوند متعال معاشرت و هم زیستی خوب و درست را برای

مردان واجب نموده است، چنانچه می‌فرماید: ﴿وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (النساء: ۱۹).
 «با همسران بطور شایسته رفتار کنید!».

همچنین مهریه را حق زن قرارداد و به شوهرها دستور داد که باید مهریه زنان خویش را بپردازند مگر آنچه را که خود زنان با رضایت خاطر خویش ببخشند؛ و این چنین فرمود: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَتِهِنَّ خِلَّةً فَإِنْ طِبَنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾ (النساء: ۴).

«و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!».

همچنین خداوند متعال زن را در منزل شوهرش به عنوان امیر و سرپرست فرزندان قرار داده و او را به عنوان آمر و ناهی تعیین فرموده است. چنانچه رسول الله ص فرموده است: «المرأة راعية في بيت زوجها، ومسئولة عن رعيتها».

«زن در منزل شوهرش همانند حاکم و سرپرست است و در برابر زیردستان خویش مسئول است».

و باز خداوند مخارج زندگی و نفقه و لباس و قماش زن را بر مرد واجب کرده است تا به خوبی آنها را برایش تهیه کند.

امروز دشمنان اسلام - و بلکه دشمنان انسانیت از کفار و منافقان و کوردلان - از آنچه که زن مسلمان در پرتو دین

اسلام از کرامت، عزت و مصونیت بدست آورده است، به شدت عصبانی هستند. زیرا دشمنان اسلام از کفار و منافقان می‌خواهند که زن فقط ابزار تخریب دستشان باشد؛ و او را دامی بسازند که به وسیله آن بتوانند افراد سست ایمان و شهوت پرستان آلوده دامن را شکار کنند، البته پس از آن که غرایز جنسی آتشین خود را از آنان سیراب ساختند.

همچنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا﴾ (النساء: ۲۷).

«اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما بکلی منحرف شوید».

همچنین مسلمانان بیمار دل از زنان می‌خواهند که چون کالایی ارزان در دسترس شهوت رانان و شیطان صفقتان باشند. کالایی لخت و عریان در برابر چشم‌هایشان؛ تا از جمال نگاهشان لذت برند و کامجویی کنند، یا به وسیله آنها به مقاصد زشت و پلیدشان دست یابند. به همین علت علاقه دارند که زنان از منزل بیرون رفته و در فعالیت‌های اجتماعی دوش به دوش مردان بیگانه کار کنند، یا به عنوان پرستار در بیمارستانهای مردانه به پرستاری بپردازند، یا در هواپیماها به عنوان مهماندار باشند، یا در مدارس و کلاسهای مختلط به عنوان استاد یا معلم به تدریس مشغول گردند؛ و یا بازیگر نمایش‌ها و فیلم‌ها باشند؛ یا ترانه‌خوان باشند؛ یا با بدنی عریان بعنوان مجری و گوینده

رسانه‌های ارتباط جمعی شوند که با صدا و چهره‌های فتنه انگیز خویش بتوانند فتنه‌انگیزی کنند؛ و آنگاه مجله‌ها و روزنامه‌های هرزه و بی‌بند و بار عکس‌های دختران جوان و زیبارو را به صورت لخت و عریان چاپ کنند تا بدین وسیله بتوانند مجلات خویش را به فروش رسانند؛ همچنین بسیاری از کارخانه‌داران تجارت پیشه‌گان و صاحبان صنایع از این عکس‌ها و تصاویر برای فروش و ترویج کالاهای تجاری خویش استفاده می‌کنند، و این عکس‌ها را بر روی تولیدات خود چاپ می‌کنند ، و به علت همین تصمیمات غلط و اقدامات ناشیانه است که زن از وظیفه اصلی خویش در منزل تهی شد؛ و برای پر کردن جای خالی زن در منزل، شوهران مجبور شدند برای تربیت و بزرگ کردن فرزندان خود از وجود زنان خدمتکار بیگانه استفاده نمایند و برای انجام کارهای منزل خود آنها را بکار گیرند و در نتیجه فتنه‌های بسیار پیدا شد و شر و بدیهای زیادی به بار آورد.

اسلام کار زنان را در بیرون از منزل اگر بر اساس ضوابط زیر باشد، منع نمی‌کند:

- ۱- زن نیازمند به این کار باشد؛ یا جامعه به این کار نیاز دارد، به طوری که انجام آن از دست مردان برنیاید؛ و یا هیچ مردی برای انجام آن پیدا نشود.
- ۲- این کار وی پس از انجام دادن کارهای منزل که کار اصلی و اساسی زن است، باشد.

۳- این کار وی در محیط زنان باشد؛ همانند: آموزش زنان و یا درمان و پرستاری زنان به طوری که از مردان بدور باشد.

۴- همچنین در مورد آموزش و فراگیری احکام و مسائل دینی نه تنها مانعی نیست، بلکه بر هر زنی واجب است که به هرچه از امور دینی نیاز دارد، یاد بگیرد؛ این فراگیری باید در محیطی کاملاً زنانه باشد؛ در ضمن اشکالی ندارد که زن برای تحصیل علم و فراگیری دین در مسجد و همانند آن حضور یابد؛ البته باید در پس پرده و جدا از مردان باشد؛ همانگونه که زنان صدر اسلام عمل می کردند و آموزش می دیدند و در مساجد حضور فعال داشتند.

بزرگداشت زن در اسلام:

اسلام، زن را نه همچون دوران جاهلیت موجودی زشت و بی ارزش می داند بلکه گامهای موثری برای رفع تبعیض و بالا بردن مقام زن برداشته است، اسلام همه آن حقوق انسانی و اجتماعی را که مرد از آن برخوردار است برای زن نیز مقرر کرده و همچنین بر اساس فطرت و ساختمان جسمانی و روحی و آنچه مناسب حال اوست وظایفی را برای زن در نظر گرفته است. از آنجایی که مرد دارای نیروی جسمانی و عقلی کاملتر است و به دلیل کنترل احساسات عاطفی و توانایی و مقاومت در برابر مشکلات و صبر بر سختیها اسلام مرد را مسئول امور زن قرار داده تا از زن دفاع کند و از دسترنج خود بر او انفاق و خرج نماید.

در مورد مسئولیت پذیری و انجام مسئولیت زن، با مرد برابر است و از دیدگاه اسلام زن می تواند به صورت مستقیم خرید و فروش و حق تملک و انجام دیگر معاملات را داشته و در سرنوشت اجتماعی خود مشارکت داشته باشد که این نیز یکی از مظاهر تجلیل زن در اسلام است.

خداوند در قرآن فرموده است که انسانها را از زن و مرد آفریده است و همه با هم برابرند و معیار برتری نزد خداوند، عمل صالح و تقوا است چنانکه فرموده است:

﴿يَتَأْتِيَ النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝﴾ {حجرات: ۱۳}

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید بیگمان گرامی ترین شما نزد خداوند متقی ترین شما است. خداوند مسلماً دانا و با خبر است.

و نیز از دیگر نشانه های بزرگداشت مقام زن در اسلام این است که آموختن علم و دانش را به زنان با اهمیت دانسته است. از ابی سعید خدری روایت شده: که زنان به پیامبر «گفتند: «که مردان از ما بیشتر از محضر مبارک شما استفاده می کنند، یک روز را برای ما معین کنید که در آن روز به ما آموزش دهید». چنانکه رسول اکرم «روزی را مشخص نمود زنان در آن روز جمع می شدند و پیامبر» برای آنان سخنرانی می کرد و به آنها دستورات لازم را

می داد یکی از مطالبی که پیامبر «به آنها می گفت این بود که فرمود: «هر زنی از شما سه کودک خود را از دست بدهد برای او حجابی خواهند بود که او را از آتش جهنم نجات می دهند» زنی گفت: «اگر کسی دو فرزند خود را از دست داده باشد» پیامبر «فرمود: «اگر دو تا باشند نیز چنین است» {بخاری (۱۰۱)}

خداوند در قرآن مجید از زنان در کنار مردان اینگونه تعریف نموده است: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْفَاضِلِينَ وَالْفَاضِلَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّاتِمِينَ وَالصَّاتِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝﴾ {الاحزاب: ۳۵}

«مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار خدا را یاد می کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است.»

سوره نساء

خداوند در قرآن کریم سوره‌ای بنام سوره «نساء» یعنی سوره زنان نازل فرموده است در صورتی که سوره‌ای را بنام مردان (رجال) نامگذاری نکرده است و این دلیل روشن این امر است که زن در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد خداوند در سوره نساء به بیان امور مهمی پرداخته است که به زن و خانواده و حکومت و جامعه مربوط است و بیشترین بخش سوره نساء درباره حقوق زنان سخن می‌گوید، بدینجهت این سوره بنام سوره نساء نامیده شده است، اگر در مفهوم این سوره فکر کنیم، می‌بینیم که خداوند زن را بسیار اکرام نموده است.

۱- خداوند نخستین زن را از پهلوی نخستین مرد آفرید و از آمیزش زن و مرد، زنان و مردان بسیاری آفرید و در دنیا منتشر کرد:

﴿يَتَأْتِيَ النَّاسُ أَتَقُوا رَبَّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ {نساء: ۱} ای مردمان از (نافرمانی) پروردگارتان بپرهیزید پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.

این آیه قسمتی از خطبه حاجت است که رسول اکرم» سخنرانیهای خود را با آن آغاز می‌نمود و خطبه حاجت بسیار مهم است به ویژه برای دعوت گران دینی و سخنرانان (که در آن چگونگی خلق انسان از فرد واحد را بیان می‌کند).

۲- حقوق دختران یتیم در اسلام:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتًى وَثَلُثْ وَرُبْعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ ۚ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ {نساء: ۳}

و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید، با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمایید این سبب می‌شود که کمتر دچار کجروی و ستم شوید.

عروۀ بن زبیر روایت کرده که از حضرت عایشه (رض) در مورد (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ) سوال نمودم عایشه گفت: خواهر زاده‌ام این آیه در مورد دختر یتیمی است که تحت پرورش و تکفل ولی (نامحرم) خود است، و مال و زیبایی دختر یتیم مورد پسند ولی‌اش واقع می‌گردد، بنابراین او می‌خواهد که با او ازدواج کند بدون اینکه در دادن مهریه انصاف را پیشه نماید بلکه می‌خواهد او را با مهریه‌ای ارزان به نکاح خود در بیاورد، بنابراین خداوند در این آیه اولیای یتیمان را نهی نموده از اینکه آنها را اجباراً نکاح کنند و بر آنها ظلم نمایند و دستور داده که در تعیین و پرداختن مهریه دختران یتیم، انصاف را پیشه کنند و نیز در این آیه دستور داده شده که آنها غیر از

دختران یتیم هر زنانی را که می‌پسندند برونند و با آنها نکاح کنند.

عروۀ می‌گوید که عایشه فرمود: مردم بعد از نزول این آیه، در مورد دختران یتیم از پیامبر» بیشتر سؤال کردند، آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد: (و یستفتونک فی النساء). عایشه آیه: (و ترغبون ان تنکحوهن) را نیز چنین تفسیر نموده است:

«که شما وقتی که با دختر یتیمی که ثروت و زیبایی ندارد حاضر به ازدواج نیستید، همچنان نباید با دختر یتیمی به خاطر مال و زیبایی‌اش ازدواج کنید مگر اینکه بطور کامل انصاف را رعایت نموده و ظلمی بر یتیم روا ندارید.» {بخاری}

مطلب دیگری را که خداوند متعال در سوره نساء برای حفظ حقوق زنان ذکر نموده این است که اگر فکر می‌کنید نمی‌توانید میان دو همسر برابری و مساوات و عدالت برقرار نمایید با بیشتر از یک زن ازدواج نکنید. چنانکه خداوند فرموده است:

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ﴾ {نساء: ۳} یعنی اگر شما ترس از آن داشتید که نمی‌توانید میان چند همسر مساوات برقرار کنید پس با زندگی با یک همسر اکتفا کنید.

۳- زنان در اسلام از ارث سهمیه می‌برند:

خداوند فرموده است:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرٌ نَّصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ {نساء: ۷}

برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بجای می گذارند سهمی است. خواه آن ترکه کم باشد خواه زیاد. سهم هر یک را خداوند مشخص و واجب گردانیده است.

در ایام جاهلیت قبل از اسلام فقط مردان ارث می بردند و زنان از ارث محروم بودند. اسلام به این قانون جاهلی خاتمه داده و برای زن نیز سهمی در ارث مقرر نمود. {متأسفانه امروز نیز در بعضی مناطق همان قانون جاهلی قریش در مورد ارث زنان اعمال می شود، یعنی فقط مردان و فرزندان پسر از میراث پدر بهره مند و زنان و دختران محروم می شوند. (مترجم)}

۴- تفاوت میان سهم میراث مرد و سهم میراث زن:

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ {نساء: ۱۱} خداوند در باره فرزندان با شما فرمان می دهد و بر شما واجب می گرداند که بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن می باشد.

از آنجایی که مرد عهده دار تامین نفقه فرزندان می باشد و نیز در هنگام ازدواج باید مهریه زن را بپردازد، خداوند سهم مرد از میراث را دو برابر سهمیه زن قرار داده است. از ابن عباس روایت شده است که: «(در دوران جاهلیت یا قبل از نزول سوره نساء) مال از آن فرزند بود و وصیت نامه به والدین تعلق می گرفت خداوند از این احکام چیزی را نسخ نموده و سهمیه مرد را دو برابر زن قرار داده و برای هر یک از پدر و مادر یک ششم و یک سوم مقرر نموده و سهمیه زن را از مال همسرش یک هشتم و یک چهارم قرار داد و برای شوهر نصف یک چهارم را معین کرد.» (بخاری)

۵- تعهد پرداخت مهریه زن توسط مرد:

مهریه را باید شوهر به زن بپردازد. خداوند متعال فرموده: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾ {نساء: ۴}

و مهریه زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید، پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود بشما بخشیدند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

ابن عباس می گوید: نحله یعنی مهریه خداوند به شوهران دستور داده تا با زنهای خود به خوبی زندگی کنند و فرموده است ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ {نساء ۱۹۱} یعنی گفتار و کردارتان را بر حسب توان خود

با زنان تان نیکو کنید همچنانکه شما انتظار دارید که همسرانتان با شما به نیکی رفتار کنند آنگونه که خداوند فرموده است:

﴿وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ {بقره ۲۲۸}

و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا بکنند) بگونه ای شایسته همانگونه که حق شوهران بر آنان واجب است.

و پیامبر «فرمودند: «بهترین شما بهترین تان با همسرش است و من از همه شما با همسرانم بهتر رفتار می کنم» {ترمذی} شیخ آلبنی این حدیث را صحیح دانسته است. شوهر موظف است با زنش به نیکی رفتار کند گرچه او مورد پسندش واقع نشود. خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ {نساء ۱۹}

و اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا که از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

یعنی امید است که اگر شما با وجود نپسندیدن همسرانتان با آنها نیکی کنید خداوند آن زن را مایه خیر و برکت زیادی برای شما در دنیا و آخرت قرار دهد. و پیامبر «فرموده است: (لا یفرک مؤمن مؤمنة ان کره منها خلقا رضی منها آخر)

گرفتن مهریه از زن بعد از جدایی جایز نیست:

خداوند متعال فرموده: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَشْتَبِدَالَ زَوْجٍ مَّكَارَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتِنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿٢٠﴾ {نساء: ۲۰}

و اگر خواستید همسری را بجای همسری برگزینید.

هرچند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید برای شما درست نیست که چیزی از آن مال را دریافت دارید آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را پس می گیرید؟

یعنی اگر کسی از شما قصد جدایی از همسرش را داشت و می خواست همسرش را طلاق بدهد و با زنی دیگر ازدواج نماید نباید مهریه ای را که به زنش داده از او پس بگیرد گرچه مال هنگفتی هم باشد.

«وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذَرَبَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾ {نساء: ۲۱}

چگونه آنرا بازپس می گیرید و حال آنکه با یکدیگر آمیزش داشته اید و هر یک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده است و زنان از شما پیمان محکمی گرفته اند.

ابن عباس می گوید منظور از این، عقد میان زن و شوهر است.

اگر زنی را می پسندید و می خواهید با او ادامه زندگی بدهید به تعبیر قرآن با (امساک بمعروف) او را نگهدارید و اگر او را نمی پسندید پس «تصریح به احسان کنید، یعنی با پرداخت حق و حقوقی به خوبی او را از خود جدا کنید.

پیامبر» در خطبه حجه الوداع فرموده: (استوصوا

بالنساء خیرا، فانکم اخذتموهن بامانة الله و استحلتتم فروجهن لكلمة الله) { (رواه مسلم) }

و نیز از مظاهر بزرگداشت و تجلیل مقام زن در اسلام، حرام بودن نکاح محارم نسبی و رضاعی است:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبنَاتُ الْأَخِ وَبنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾ {نساء: ۲۳}

«خداوند بر شما حرام نموده است ازدواج با مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمه هایتان، خاله هایتان، برادرزادگانتان، خواهرزادگانتان، مادرانی که به شما شیر داده اند، خواهران رضاعیتان، مادران همسرانتان، دختران همسرانتان (از مردان دیگر که تحت کفالت و رعایت شما پرورش یافته و با مادرانشان همبستر شده اید، ولی اگر با مادرانشان همبستر نشده اید گناهی بر شما نیست)، همسران پسران صلبی شما، و اینکه دو خواهر را جمع آورید، مگر آنچه گذشته است، بیگمان خداوند بسی بخشنده و آمرزنده است.»

حرام قرار دادن نکاح این افراد حکمت های بزرگ و اهداف بلندی که فطرت سالم آن را اقتضاء می کند در بر دارد، مثلا فلسفه حرمت نکاح دو خواهر این است که اگر آندو همسر یک مرد باشند در میان خود دشمنی و رقابت می ورزند و با یکدیگر کینه می ورزند و نهایتا به صله رحم لطمه وارد می شود.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.